ظهور هوش پایه‌محور غیر متقوم به وجود ناظر

جلسه قبل بحثی مطرح شد و عرض کردم اگر این مطالب سر برسد خوب است. چون اصل بحث ما در این بود: فراهم کردن پایه‌هایی برای ظهور هوش، بدون پایه‌ای که قابلیت استشراق داشته باشد. بحث ما این بود. و الا علی الفرض اگر پایه‌ای فراهم کنیم که مثل دستگاه خلقت الهی، به قدری غامض باشد که نفس بتواند به آن تعلق بگیرد، از بحث ما خارج است. بحث ما این است: می‌خواهیم رفتار هوشمند داشته باشیم، حتی در حد هوش قوی‌ای که آقای سرل در اتاق چینی دفعش می‌کرد و به گستردگی هوش ضعیف کاملی که تست تورینگ را پشت سر می‌گذاشت، به آن معانی که آقای دریفوس نفیش می‌کرد. حالا می‌خواهیم ببینیم در هوش پایه‌محور می‌توانیم بگوییم آن چیزهایی که به دنبالش بودند و می‌گفتند نمی‌شود، بدون اینکه روح استشراق شود، محقق شود یا نه. به همان عباراتی که جلوتر عرض کردم، یک من ِبی‌روح داشته باشیم که روح ندارد اما پایه‌ای را فراهم کرده‌ایم که رفتارهای هوشمند دارد. این ممکن هست یا نه؟ به یک معنا، وقتی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم در این پایه یک «من» ظهور کرده؛ «من»ی که فقط به پایه مربوط است، بدون اینکه روح داشته باشد و بتواند با عالم دیگری ارتباط برقرار کند.

چند مطلب در اینجا گذاشته‌ام که همه را سریع عرض کنم. یکی عبارتی است که ذیل جلسه 28 گذاشته‌ام. مطلبی را افاده کرده‌اند و ذیل جلسه قبل گذاشته‌ام و دو-سه کلمه در ارتباط با آن هم نوشته‌ام. حاصلش این است: بحث‌هایی که در کلاس طلبگی داریم، در ما نحن فیه که بحثمان این است که در یک پایه، هوش ظهور کند، چقدر قابل پیاده شدن است؟ همین دو-سه نکته را سریع عرض می‌کنم؛ خودتان نگاه کنید. به تفصیل چند کبرایتی را گفته‌اند و مقدماتی را بیان کرده‌اند و صغرویًا چند مثال هم زده‌اند. من هم مطالبی را عرض می‌کنم.

وقتی الآن می‌خواهیم هوش پایه‌محور را بگوییم، در محل ابتلاء ما، به هیچ وجه سر و کار ما با ناظر نیست؛ یعنی یک پایه‌ای معد باشد تا کسی چیزی را درک کند، منظور ما نیست. هر کجا ذهن شما سراغ این برود که یک عاقل و ناظری و یک مُدرِک معانی بخواهد از عالم مجرد، بیاید و یک امر بیرونی معد شود تا آن مُدرِک در عالم خودش و در فضای تجرد خودش، یک چیزی را به اِعداد آن درک کند، مقصود ما نیست و اصلًا محل بحث ما نیست. لذا نصف توضیحاتی که فرموده‌اند و ناظر به این بخش می‌شود، از بحث ما خارج است. لذا تابلو را عرض کردم و به تابلو و فیلم مثال زدم. ما که هوش می‌گوییم، کاری نداریم به اینکه عملکرد او نزد ناظر، متصف به هوش شود. لذا در اتاق چینی یا در تست تورینگ که ناظر می‌گوید این هوشمند است و انسان است، باز هم منظور ما این نیست.

آنچه که ما به دنبالش هستیم، این است که بگوییم چه پایه‌ای فراهم کنیم تا بعدًا ناظر بگوید هوشمند است، ولو ناظری هم نباشد ولی او این پایه را دارد. قوام هوشمندی آن، به این نیست که ناظر بگوید. تست تورینگ، تستی است برای اینکه ببینیم آن پایه فراهم شده است، نه برای اینکه تست ما مقوم وجود و ظهور این باشد. بنابراین همه اینها از بحث ما خارج است.

مثالی که ما می‌خواهیم بزنیم، دقیقاً مثل H_2O است. مثل این است که دو هیدروژن وقتی با یک اکسیژن ترکیب شدند، یک پایه و کرسای فراهم می‌شود و طبیعی الماء در این عالم ظهور می‌کند و آثاری هم دارد. قبل از خلقت انسان و کل حیات، آب روی کره زمین با همین مولکول خصوص آب، روی این پایه H_2O بوده و تفاوتی نمی‌کرد؛ ظهور می‌کرده و آثاری داشته. بر پایه شیمیایی H_2O که صبغه فیزیکی دارد، آثار بار می‌شده و ربطی ندارد به اینکه ما این کرسی را ببینیم و به ای آب بیفتیم و معنای آب برای ما ظهور کند؛ اصلاً اینطور نیست و آب ظهور خارجی می‌کند ولو هیچ ناظر خارجی نباشد. پس بحث ما سر این است.

بازبینی #3
ایجاد شده 22 آوریل 2025 13:47:07 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 آوریل 2025 14:03:24 توسط ... .